

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

" زمانی به این اندیشه و بینش بودم که دیدانداز رهبری داشتن قدرت ، صلاحیت و اختیار عام و تام بر مسایل و وسایل دست داشته است ، اما کنون به این باورم که رهبری واقعی و شایسته سالار ، همگام و هم سو بودن با مردم و توده های عظیم محیطی است که در آن هستی را بسر می بریم " (مهاتما گاندی)

ویژگی های برازنده ، رهبر ، رهنما و قائد !!

*The mediocre teacher tells.*

*The good teacher explains.*

*The superior teacher demonstrates.*

*The great teacher inspires.*

آموزگار متوسط می گوید .

آموزگار میانه توضیح میدهد.

آموزگار بر تر بازتاب میدهد.

آموزگار سترگ الهام می آفریند.

*William Arthur Ward*

نگارنده : عظیم جمال .

ترجمه و تدوین : داکتر پیکار



تصور رهبری و قیادت ، مهارت شایسته زندگی است ، که انسان را در راستای تحقق مساعی منتخب ما ، به ویژه آنها بی که نهایت صمیمانه و نزدیک با دیگران گرفتار کار کرد های سودمند و اثر گزار اند ، به پیش سوق میدهد . همه ما من حیث انسان های ناهمگون دارای ویژگی ها ، صلاحیت و ظرفیت قیادت نهادینه خودی ، در مقام پدر و مادر ، شخصیت های مسلکی ، اشخاص بازرگان ، اعضای جمعیت ها ، همسایه ها ، و همکاران و همیاران ، هستیم . مزید بر آن هر کدام و هر یک ما در روش ها و شیوه های خودی هم دارای نقش رهبری و هم نقش پیروی ، هستیم ، زیرا رهبر نغز ، پیرو درست هم هست . یکی از ویژگی های برازنده رهبر ، ترسیم بهترین و شایسته ترین مؤلفه های نیروی کاری از هستی کنش دیگران و بینش و منش خودی است . رهبر خرد گرا ، نیروی انسانی خود را در راستای بازیابی و کشف توانایی های نهادینه و درونی انسان های محیط پیرامون خود بکار برده و احساس ارزشمندی ، شایسته سالاری ، احترام و اکرام ، و صلاحیت پویا و گویا را در آنها ، به آفرینش می گیرد . رهبر عینی ، واقعی و عملگرا ، گیرایی ، مواظبت ، مهورزی ، و بینش موازنه را در افراد می آفریند و آنها را از دید انداز فردی ، اجتماعی و سیاسی ، بسوی خود ، می کشاند . رهبر خوب از هراسان سازی انسان ها ابا می ورزد ، و احساس قربت ، نزدیکی ، مرتبط بودن متمرکز و مسرت بار منوط به خود را در آنها به آفرینش می گیرد .

**رهبران شایسته، آرام، اندیشمند و دارنده دیدانداز قیادت اند:** آنهایی که دارای صلاحیت عالی و برآزنده رهبری اند، هرگز از شیوه های کسالت آفرین، غصه انگیز، دشواری آفرین و فشارزا، کار نمیگیرند. آنها آرام، اندیشمند و حایز بینش و منش سترگ و جان بینی عالی و برآزنده هستند. رهبر آرام و مطمئن باعث آفرینش آرامش و سکون در شخصیت دیگران می شود و آورنده شیوه آرامگرایی فکری و ذهنی است. هر انسان مادامی دارای سکون فکری است با جدیت و آرامش فکری کار می کند و دارای فرآیند و محصول کاری اثر مند، خوشبینانه، و موثر است. رهنما و پیشواری ذکی و اندیشمند بجای آنکه در کسب شخصیت نام نهاد خودی باشد، در ارتقای شخصیت دیگران نقش برآزنده اش را به بازی می گیرد. آنها را رهنمایی می کند، نیرو و توان می بخشد، همکاری و حمایت می کند. آنها همکاری و یاری مشترک در میان شخصیت های محیط پیرامون و زیردستان شان را به فرهنگ کاری و اشتیاق فکری تبدیل می کنند اعتبار و اعتماد به نفس را بر بنیاد شیرازه فکری مثبت اندیش شان، بازتاب میدهند. آنها همواره دارای بینش نوآوری و ابتکار اند، زیرا قیادت این گونه، فرد، نهاد، و مؤسسه کاری را از فرآیند سود عالی مادی، معنوی، اخلاقی و فکری بهره مند می سازد، در غیر آن رهبر همواره اکثر کار های دست داشته اش را خود مورد اجرا قرار داده و از سایرین هیچگونه دست آورد، دیدانداز، و نتیجه مثبت اندیشانه را بدست آورده نمیتواند.

**رهبران واقعی بجای تکاپوی گرفت و کمایی امتیاز، زمینه امتیاز را برای دیگران میسر می سازند:** رهبران واقعی و سالم اندیش در پی دریافت القاب، افتخارات، تقدیر، تکریم و تقدیس نیستند، آنها اقتناع فکری شان را در مسرت دیگران و دست آورد با معنی و اثر آفرین جستجو می کنند و در پیشرفت خویشتن، افراد و اشخاص جامعه ای که در آن هستی را سپری می کنند، از عالی ترین امکانات ظرفیت فکری، حرفوی و انسانی خود کار گرفته و ظرفیت آفرینی می کنند. آنها بجای آنکه طلب امتیاز و در خواست باز شناخت خودی در جستجو باشند، در راستای ترقی و تعالی زیر دستان و کارمندان خود هستند و در برابر آنها همواره از سخاوت مادی، معنوی، حرفوی، اخلاقی، مسلکی و انسانی، کار یگیرند. رهبران واقعی بجای طلب امتیاز و باز شناخت فردی خودی، در تکاپوی ترقی، پیشرفت، تعالی و رشد همکاران، زیردستان، یاران و هم کیشان خود هستند و در برابر آنها همواره از سخاوت مادی، معنوی، اخلاقی و مسلکی شان در راستای ارتقای سطح کاری و و فهم عالی اخلاق و شیرازه کاری دریغ نمی ورزند. بهترین واژه، عباره و ساختار واژگانی که معرفت کرد های رهبر از خود گذر، سالم اندیش، خیرخواه، میهن دوست و انسان پرور است، اینگونه میتوان قیاس کرد: "مادامی که فرایند باریدن باران است، رهبر واقعی حیثیت سایبان مردم و زیر دستان را دارد، وقتی که فضای تشعشع، فروزندگی و درخشندگی است، رهبر نه تنها اینکه ایجاد کننده موانع دشوار گذر در راستای پیشروی افراد محیط پیرامون خود نه باشد، بلکه باید هنوز مساعی مشترک و عالی خود را در راستای هموار سازی هر چه بهتر و بیشتر از پیش شیوه های پیشروی و کامگاری برای زیر دستان و مردم خود، بخرج دهد." رهبران نباید نیرنگ باز باشند، و توده های عظیم و دشواری های شان را به مضحکه گیرند، و نه هم در سر هوای شب دشانه باشند و بر لب حدیث روز. آنگونه که شاعر خیلی ها زیبا فرموده است:

**آنان که نقش مضحکه را رنگ می کنند**

**رنگ دگر فسانه نیرنگ می کنند**

**بر لب حدیث روشن و بر سر هوای شب**

**در نیمه شب چپاول فرهنگ می کنند**

وقتی که فرایند سیل آسای نقد و خورده گیری از سوی زیر دستان، همکاران، و هم دیاران به شمول دسته های کاری، برنامه سازان و طراحان کار کرد ها و شیوه های کاری روزوار، بسوی رهبر پرتاب می شوند و بازتاب داده می شوند، مسؤلیت عام و تام رهبر است تا به همه مسایل گوش فرا داده و در راستای اصلاح امور گام مؤثر بردارد، و زمانی که خوان ستایش، تعریف، و توصیف به پهنایش گسترانده می شود، رهبر خویشتن را به گوشه و کنار می کشاند و این همه اعتبار و ستایش را که وجود عینی دارد، حق کارمندان و شاخه گرفتار در امور نهاد و جامعه خود میداند. این است ویژگی های رهبر واقعی، عینی، مردمی، انسان سالار و از خود گذر، در میان مردم و انسان های جوامع ناهمگون و محیط پیرامون خودی.

**رهبران باید دارای جهان بینی روشن و دیدانداز حل مسایل عمومی باشند:** رهبران نباید مانند کارمندان اطفائی باشند، آنها باید به تدریج مناقشه و عکس العمل های شدید و دشوار آفرین را از میان بردارند، برنامه سازان و اندیشمندان

با ظرفیت و صلاحیت پیشبینی و پیشگویی اوضاع و احوال محیط پیرامون و جامعه خود باشند و نقش عالی و خارق العاده شان را در راستای تفکیک و تشخیص دشواری های به میان آمده قبل از وقوع ، به بازی نشینند . رهبران جوانب و جهات منفی امور را باید به مثبت تبدیل کنند ، و بجای آنکه در انتظار این باشند که چه زمانی ، چگونه و در کجا ، چه کسی را به باد ملامتی بکشند و خویشتن را سلامت نشان دهند ، باید روی درس های اموخته شده از دشواری ها ، ملامتی ها و سلامتی های گذشته تمرکز کنند و بر بنیاد سیاق آنها اندوخته های آینده آفرین را از ان خود سازند ، و از به میان آمدن احتمالی آنها جلو گیری به عمل آورند. از این سبب بجای اینکه به گونه تکراری و بدون وقفه روی دشواری ها حرف بزنند ، باید روی نحوه و شیوه های حل مورد پسند و پذیرش عینی و همگانی ، به اندیشه نشینند.

**رهبران باید مری های عینی و طبیعی باشند:** مادامی که الهام می گیریم ، به دیگران ملهم می شویم. وقتی که احساس راحت و آرامش می کنیم ، باعث فراهم آوری فرآیند محیط آرام و دلپذیر برای هموعان خود می شویم. رهبران باید همواره روش نهادینه را روی دست گیرند. باید ایقان داشته باشند ، آنچه را که می گویند ، می بایست عملی گردد. آنچه را که می گویند ، تعبیر و تفسیر می کنند ، آنها را باید در ذهنیت و اندیشه های دسته کاری خود ، تزریق و ترویج کنند. رهبران مری های عینی و ماهوی اند ، و مهارت مری بودن و باز آموزی دیگران جز جدا ناپذیر کار کرد ها و زندگی روزوار شان باید باشد. یکی از اهداف بنیادی مری ها در باز آموزی تعلیم و آموزش تیم کاری ، استحکام فرآیند اجرات کاری ، ایجاد صلاحیت ، خلاقیت و ظرفیت آموزشی در میان دیگران ، نقش دادن برای آنها در راستای بازتاب دست آورد ها و اندوخته های سازنده و مشترک می باشد. نخستین وظیفه مری ، افراد و اشخاص را در راستای انجام کار های نیک و شایسته یاری رسانی است. مری و رهبر بخشنده تحرک و بازتاب دهنده پرسش های سازنده است و هر یک از وظایف و مسؤلیت های سپرده شده به افراد ، اشخاص ، زیر دستان ، کارمندان و آموزنده ها به گونه آگاهانه و شعوری با آمادگی ذهنی ، فکری و جسمی و صلاحیت پذیرشی آنها در هماهنگی منطقی و عقلانی قرار میدهد ، تا آنها مطابق ژرفای سطح فهم شان از ان حمایت نموده و احساس راحت و شایسته سالاری کنند.

**رهبران باید ، بازتاب دهنده سطح عالی فهم ، دلسوزی و مهرورزی باشند :** رهبران بطور عینی باید شنونده های خوب باشند و به همه چیز دلسوزانه ، مهرورزانه و صادقانه ، گوش فرا دهند. باید دارای مهارت بینظیر در راستای خوانش ، درک و فهم مسایل در ورای خط ها ، ستر ها و عباره ها باشند ، و صلاحیت خارق العاده در امر استماع مسایل مهم ، ملی و مردمی بوده و پاسخ دهنده های سالم اندیشانه ، کثرت گرایانه و همه شمول باشند. رهبران باید همیشه نبض ، افراد جامعه ، همکاران ، سهام داران و زیر دستان خود را در نظر داشته و آن ها را بجای آنکه زیر کنترل گیرند ، بهتر است در کنترل خود داشته باشند. رهبران باید محرکین مثبت ، تشویق و ترغیب کننده های خارق العاده باشند تا بتوانند برای دیگران ای که در جامعه حضور عینی و کاری دارند ، الهام آفرین باشند و عنوان شخصیت ملهم ، کار آموزده و حایز اندوخته های اثر گذار را کمایی کنند. بعضی انسان به ویژه افراد و شخصیت های سیاسی و اجتماعی ، من حیث مؤلفه های حاکمیت مطلق و تغییر ناپذیر در منزل ، کار گاه به شمول کار های رضا مندانه ، عمل می کنند ، و به این اندیشه هستند که بهترین ، شایسته ترین و اثر گذار ترین رهبران در بینش خودی شان هستند و همواره میل دارند با دوش به دنبال هر یک و زیر کنترل گرفتن افراد شاید نتایج و ثمر بهتر بدست بیاورند در صورتی که این خود باعث آفرینش بینش عدم اعتماد در میان دیگران می شود. در فرجام مناسبات ، روابط و ظوابط با برخی از افراد برجسته و رهبران مسیر میانه و قدمه های دوم آموخته می شود که در اصل رهبری سالم ایجاد سهولت ها ، سپارش مسؤلیت ها و گرفتار سازی زیر دستان ، همدستان و همکاران قابل کاربرد بوده و آنها را نیرومند تر و آگاه تر می سازد و از همین جاست که باعث آماده سازی صحنه ها وعرصه های کاری می شوند و نمایش زندگی کاری را خود ترتیب ، تنظیم و تدوین می نمایند.

رهبران واقعی و عینی انسان های ، اندیشمند ، دور اندیش ، پیشبین ، رسالت دار ، خردمند ، بی تعصب ، همه گرا ، انسان سالار و "غیر جانبدار" ، هستند که متناسب به شرایط موجود در محیط پیرامونش نقش آفرینی می کند و نیازمندی های تیم کاری و جامعه شان را به حد اعلی ، مورد تحلیل ، تدقیق و بررسی قرار می دهند ، و بهترین شیوه و روش قیادت سیاسی ، اجتماعی ، اخلاقی و فرهنگی را به آموزش گرفته و همواره نمایشات کاری ، پیشکش ها ، بازتاب ها و قیادت جمعی را متناوب می سازند و در دگرگونی و دگر اندیشی با سایرین همگام و همسان می شود.

این شیوه قیادت باید در منزل ، در دبیرستان ، در مدارس ، در میان خانواده ها ، در محل بازرگانی ، هنگام باز آموزی دیگران ، بخاطر اجرای کار های دقیق و سازنده ، مورد کار بر قرار گیرد ، تا باشد باعث آفرینش بسا سهولت ها در هستی روز وار دیگران شود. برای هر یک ما لازم است از خود به پرسیم؟ آیا رهبر خوبی هستیم؟ بدون آنکه در چه سطحی و در چه مقامی قرار داریم؟ و همواره باید پاسخ صادقانه به این پرسش ها را داشته باشیم:

- آیا من شایستگی رهبری را در برخی از موارد زندگی ام دارم.
- اگر ندارم ، آیا میتوانم به مثابه پدر و مادر ، در منزل ، در کار گاه ، در دبیرستان ، در اماکن مقدسه و جا های عبادت و نیایش ، رهبر باشم؟
- آیا من حیث کار فرما ، تیم کاری ام را از حد زیاد کنترل می کنم و یا در نیرومند سازی شان داخل اقدام می شوم؟
- آیا یک شنونده خوب هستم؟
- آیا با خاموش ترین فرد تیم کاری ام دریچه گفتمان را باز کرده ام؟
- آیا در تکاپوی پیدایش کوتاهی و نا رسایی در میان تیم کاری هستم و یا آنها را بخاطر انجام کار های شایسته یاری رسان و مدگار هستم؟
- آیا یک رهبر خوب هستم و یا پیرو خوب؟
- آیا من توان دیدن شایستگی ها را در دیگران دارم؟
- آیا من همیشه نقد می کنم و یا بجز آن چیزی دیگری را نیز یاد دارم؟
- آیا شایسته سالاری و بهبود کاری دیگران را به ستایش نشسته ام؟
- آیا از خود خواهی های تباه کن و بلند پروازی های فردی ام ابا می ورزم؟
- آیا من از بهترین مهارت قیادت که کار مشترک و هدایت و رهنمایی صادقانه است ، استفاده درست می کنم؟

“ اگر زیبایی ها را درست دیده بتوانیم، در حقیقت زیبا هستیم ”

*When we see beauty, we are beauty*